

نقش عوامل مختلف در تعیین راهبرد روسیه در قبال یمن

فرزاد رضای بونش

پژوهشگر و کارشناس مسائل بین الملل

پس از حضور هادی در عدن ولادیمیر دیدوشکین سفیر روسیه در یمن بر حمایت کشورش از مشروعیت قانونی ریاست جمهوری عبدالربه منصور هادی در یمن تأکید کرد. این نخستین موضع رسمی علنی روسیه در خصوص تحولات اخیر یمن محسوب می‌شود. موضع روسیه در دیدار سفیر این کشور در یمن با هادی در عدن بیان شد. وی اشاره کرد فدراسیون روسیه هیچ تردیدی درباره مشروعیت قانونی رئیس جمهور هادی ندارد و قطعنامه‌های اخیر سازمان ملل متحد نیز بر این مسئله تأکید کرده است. در همین راستا با توجه به رویکردهای روسیه در قبال بحران یمن نوشتار زیر به بررسی نقش عوامل مختلف در تعیین راهبرد روسیه در قبال یمن می‌پردازد.

گذشته حضور روسیه در منطقه: سیاست روسیه در خاورمیانه گذشته دیرینه دارد. در زمان شوروی مسکو با نگاه ایدئولوژیکی به خاورمیانه می‌نگریست و بر اساس پندارهای مارکسیستی سعی می‌کرد با جریان‌های شبه سوسیالیزم و یا ناسیونال سوسیالیزم پیوندهایی را دنبال کند. رویکرد روسیه در یمن در زمان جنگ سرد عمدتاً معطوف به مسائل ایدئولوژیکی و محدود کردن محیط مانور آمریکا در خاورمیانه و به دنبال افزایش جایگاه و افزایش تعاملات خود در خاورمیانه بود. لذا بخش مهمی از زیر ساخت ارتش یمن نیز به نوعی وابسته به ارتش شوروی بود. بعد از فروپاشی عملاً مسکو دوره‌ای از خلا حضور و تعامل با کشورهای همسوی شوروی را تجربه کرد. اما با بحث بیداری اسلامی روسیه جدید نیازمند واکنش شد. در این بین عوامل مختلف منطقه‌ای و بین المللی موجب شده بود. روسیه در دو دهه گذشته به یمن توجه اساسی نداشته اما در عین حال که خروج کامل و فاصله گرفتن از آن را هم بر نمی‌تابید.

ابعاد ژئوپلیتیکی یمن: در حوزه آلیبی روسیه تلاش کرد تا با سیاستی نسبتاً همسو با غرب پیدا کند. این امر موجب شد تا روسیه متوجه شود که این موضوع بیشتر از آنکه در فضای تغییرات سیاسی در خاورمیانه باشد در چارچوب معما و فضای ژئوپلیتیکی در خاورمیانه است. لذا برخی در دستگاه سیاسی خارجی روسیه معتقدند که آینده تغییرات امنیتی و مناسبات شرق و غرب در خاورمیانه تعریف می‌شود. گذشته از این نیز باید توجه داشت که مهم‌ترین اهمیت یمن برای روسیه این است که حضور روسیه و پایگاه‌های روسیه در دریای سرخ، اقیانوس هند و تنگه باب‌المندب را حفظ کند و این برای حضور بین‌المللی، تجاری و امنیتی روسیه و حضور در شمال آفریقا موثر است.

نوع روابط با ریاض: اخیراً عبدالرحمان ابراهیم الراسی، سفیر جدید عربستان سعودی در مسکو استوارنامه خود را به ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه تقدیم کرد. سفیر جدید عربستان اعلام کرد

تماس ها با روسیه ادامه دارد و حتی یک روز قطع نشده است. جدا از این اگر به گفتگوی ملک سلمان بن عبدالعزیز آل سعود و ولادیمیر پوتین، رییس جمهور روسیه و پادشاه عربستان بنگریم سلمان تلاش های طرف روسی برای عادی سازی اوضاع بغرنج در یمن را عالی ارزیابی کرده و به خاطر موضع روسیه هنگام تصویب قطعنامه شماره 2216 مورخه 14 آوریل 2015 ابراز حق شناسی نمود در مقابل نیز ولادیمیر پوتین در جریان گفتگو ملک سلمان بن عبدالعزیز آل سعود را به بازدید از روسیه دعوت کرد. در این راستا باید گفت در واقع نوع رابطه ریاض با مسکو نقش مهمی در چگونگی رویکرد روسیه در یمن دارد. در همین راستا از نگاه مسکو تصمیم گیری روسیه در مورد یمن با توجه به متغیر عربستان مهم است. چرا که از يك سو در حوزه کنترل قیمت انرژی به ویژه نفت، حضور روسیه و یک دولت متمایل به روسیه در یمن، عمدتاً می تواند عربستان را تحت فشار گذارد و از جنگ نفت عربستان به عنوان یک ابزار بر ضد روسیه جلوگیری کند. در بعد دیگری با توجه به اینکه جریان های تکفیری - سلفی به صورت غیرمستقیم قفقاز و خصوصاً چچن را تحت تاثیر قرار می دهد و روسیه می تواند از این ابزار برای فشار بر حامیان جریان های سلفی و چچنی ها استفاده کند و روسیه نوعی معامله و چانه زنی با حامیان جریان هایی که در این منطقه می توانند بی ثباتی در روسیه ایجاد کنند داشته باشد. در واقع در شرایط کنونی اهرم هایی چون وتو، نوع کنش روسیه در یمن و... میتواند منجر به امتیازهای گسترده روسیه از عربستان گردد و به تعدیل نگاه روسیه در یمن منجر گردد.

تصور بازگشت به خاورمیانه: عامل اندیشه «قدرت بزرگ» در سیاست خارجی روسیه و در نگاه سیاست گذاران خارجی این کشور به ویژه پوتین بیشترین تأثیر را در شکل گیری سیاست فعلی روسیه در موضوع سوریه داشته است. در واقع غم از دست رفتن عظمت دوره های تزاری و شوروی از نقاط اشتراك طیف های مختلف سیاسی روسیه است. این احساس در تبدیل روسیه به يك «قدرت بزرگ» است و این اندیشه همچنین راهنمای اقدام در سیاست خارجی، قرائت مسکو از موقعیت خود در نظام بین الملل به عنوان هویتی مستقل و در عین حال ممتاز است. از این نگاه تنها در صورتی به روسیه احترام خواهند گذاشت که قدرتمند باشد. بنابراین سیاست پوتین در مقابل غرب در خاورمیانه و در موضوع سوریه و به چالش کشیدن جهان گرایی غرب هم قدرت در حال نزول روسیه را به چالش می کشد. در این راستا کرملین در کنار حوزه های همسود، اروپا و البته امریکا، در خاورمیانه نیز منافع خاص سیاسی و ژئوپولیتیکی برای خود تعریف کرده و بازگشت قدرتمندان را یکی از لازمه های قدرت مهم روسیه می داند. اکنون نیز بحران یمن می تواند فرصت مهمی برای این بازگشت باشد.

نگاه مقایسه ای یمن با اوکراین و سوریه: روسیه هر چند احساس می کند که حوزه نفوذ گذشته خود را با حمایت از جریان های ضد غربی و ضد عربستان بازسازی می کند اما همزمان هم تلاش میکند هزینه ها و خسارت هایی عمده را متحمل نشود. در واقع نگاه روسیه به یمن با سوریه و اوکراین متفاوت است و حاضر نیست مانند اوکراین به صورت نظامی و تقابلی به صورت جدی این منافع را نگاه دارد، اما در

تلاش است به صورت دیپلماتیک، رسانه ای و تجاری این ارتباط را حفظ کند. لذا در قطعنامه ای که قرار بود علیه انصارالله تصویب شود خیلی تند تر از قطعنامه فعلی بود رای ممتنع را ارائه داد. یعنی حساسیتی که روسیه در اوکراین و سوریه دارد به مراتب در یمن کمتر است. زیرا از لحاظ موقعیت استراتژیک، منابع، قدرت اقتصادی آن کشورها در اولویت بالاتری نسبت به یمن هست. با این حال یمن موقعیت استراتژیک باب المندب را دارد و روسیه حداقلی از حساسیت و ایستادگی در یمن را بروز می دهد.

رابطه با ایران: هر چند روسیه روسیه به دنبال آن است که در آینده بتواند نقشی را در تجارت و اقتصاد کشورهای خلیج فارس و کشورهای ثروتمند بازی کند و آنها را در آینده از خود ناراضی نکند اما روسیه تلاش دارد بازیگر اصلی و کلیدی باشد و برای رسیدن به این هدف همچنان اولین متحد ایران باقی بماند. در همین راستا روسیه با استفاده از این شیوه تلاش می کند نقش میانجی را در اختلافات و درگیری های منطقه ای ایفا کند. در این رویکرد هر چه رویکرد ایران به منافع روسیه در یمن نزدیک تر باشد از آن حمایت بیشتری خواهد کرد.

رقابت با امریکا و اهرم یمن امروزه سیاست روسیه است تا بتواند وضعیت موجود در خاورمیانه را مدیریت کند. اما به نظر نمی رسد هدف روسیه و امریکا رویارویی مستقیم نظامی با همدیگر باشد. در این بین روسیه تلاش می کنند که جدا از افزایش میزان و توان قدرت نظامی خود به نوعی رخ نمایی قدرت، حضور فعال و نظامی، تولید ادبیات و گفتمان و پاسخ هایی حقوقی به موقع برای مدیریت بحران را به نمایش گذارند. لذا پوتین با مقاومت مستقیم در برابر توسعه طلبی های غرب در خاورمیانه درصدد است به غرب نشان دهد مسکو می تواند در این منطقه نقش يك متوازن کننده را در برابر امریکا ایفا نماید. اما باید توجه داشت که در دکترین امنیت ملی و سیاست خارجی روسیه از نوعی پراگماتیسم سیستماتیک در دکترین سیاست خارجی پیروی می کند و اگر به رفتار شناسی گذشته رویکرد روسیه در تعامل با غرب بنگریم ممکن است یمن در بزنگاه های اصلی بحران اهرمی برای معامله با امریکا باشد. بنابراین تلاش روسیه این است که یک دولت بی طرف و مستقل در یمن به روی کار آید، زیرا روسیه مانند گذشته گرایش های ایدئولوژیک و سلطه گری را ندارد و لی یک دولت کاملا متحد غربی و وابسته به آن شکل نگیرد.